

نقش سیاست انسداد و مهار در روابط آمریکا با روسیه و ایران

مهدی ظاهری کاشانی: دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.

mahdikashani120@yahoo.com

ارسلان قربانی شیخ نشین: استاد، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

arsalanh@yahoo.com

گارینه کشیشیان سیرکی: دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

g.keshishyan71@gmail.com

چکیده

رویکرد سیاست‌های خارجی آمریکا در قبال روسیه و ایران در زمینه انرژی، به‌ویژه از منظر سیاست‌های انسداد و مهار، همواره یکی از موضوعات پیچیده و حساس در روابط بین‌المللی بوده است. این سیاست‌ها به‌طور خاص بر کنترل دسترسی کشورها به منابع انرژی مهم، محدودسازی نفوذ اقتصادی و سیاسی رقبای و به‌ویژه مهار قدرت‌های نفت‌خیز مانند ایران و روسیه تأکید دارند. مقاله حاضر به بررسی چگونگی پیاده‌سازی این سیاست‌ها توسط آمریکا و تأثیرات آن بر سیاست‌های انرژی در قفقاز، ایران، و روسیه می‌پردازد. هدف این پژوهش تحلیل تعاملات ژئوپلیتیکی بین آمریکا و این دو کشور از منظر امنیت انرژی و استراتژی‌های منطقه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های انسداد و مهار آمریکا در قبال ایران و روسیه به‌ویژه در زمینه انرژی، تأثیرات عمیقی بر روابط اقتصادی و ژئوپلیتیکی این کشورها داشته است. در حالی که این سیاست‌ها به‌طور موقت توانسته‌اند مانع از گسترش نفوذ اقتصادی این کشورها در برخی مناطق شوند، اما ایران و روسیه با اتخاذ استراتژی‌های جایگزین مانند افزایش همکاری‌های دوجانبه و تنوع منابع و بازارهای انرژی، همچنان قدرت‌های مهم در بازار جهانی انرژی باقی مانده‌اند. همچنین، منطقه قفقاز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود، به‌عنوان یک کانون رقابت استراتژیک میان آمریکا، ایران و روسیه باقی خواهد ماند، و سیاست‌های انرژی آمریکا همچنان یکی از عوامل تعیین‌کننده در تحولات آینده این منطقه خواهد بود.

واژگان کلیدی: سیاست انسداد، مهار، روابط آمریکا، روسیه، ایران.

رویکرد سیاست‌های انرژی در روابط بین‌الملل همواره به‌عنوان یکی از ارکان حیاتی در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی شناخته می‌شود. در این میان، کشورهایی مانند ایران و روسیه که از جمله تولیدکنندگان بزرگ انرژی در سطح جهانی هستند، همواره در کانون توجه سیاست‌های انرژی و امنیت بین‌المللی قرار داشته‌اند. از طرف دیگر، آمریکا به‌عنوان یکی از قدرت‌های پیشرو در عرصه سیاست خارجی، همواره تلاش کرده است تا با اعمال فشارهای اقتصادی، دیپلماتیک و حتی نظامی، نفوذ خود را در این مناطق حساس جهان حفظ کرده و از گسترش نفوذ قدرت‌های رقیب در عرصه انرژی جلوگیری کند. در این راستا، سیاست‌های انسداد^۱ و مهار^۲ از ابزارهای کلیدی آمریکا در مقابله با تهدیدات امنیتی و اقتصادی به شمار می‌روند.

در دهه‌های اخیر، انرژی به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی در معادلات ژئوپلیتیکی جهانی مطرح بوده است. کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده اصلی انرژی، اغلب در تلاش‌اند تا از طریق راهبردهای اقتصادی و دیپلماتیک، موقعیت خود را در زنجیره تأمین جهانی تقویت کنند. در این میان، آمریکا، روسیه، و ایران به‌عنوان بازیگران اصلی در بازار جهانی انرژی، درگیر سیاست‌ها و رویکردهایی هستند که به شکل مستقیم بر توسعه اقتصادی و امنیت ملی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. آمریکا به‌دلیل وابستگی اقتصاد جهانی به بازار انرژی و با توجه به جایگاه خود به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی، همواره سعی کرده است تا از طریق سیاست‌های انسداد و مهار، نفوذ رقبای خود را در بازار انرژی کاهش دهد. این سیاست‌ها به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد، با هدف محدود کردن نفوذ کشورهای انرژی‌محوری مانند روسیه و ایران طراحی و اجرا شده‌اند.

روسیه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز طبیعی در جهان، نقش مهمی در تأمین انرژی اروپا و آسیا دارد. در مقابل، ایران با دارا بودن یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز طبیعی، به‌عنوان یکی از محورهای اصلی انرژی در منطقه خاورمیانه شناخته می‌شود. با توجه به این موضوع، سیاست‌های آمریکا در قبال این دو کشور نه تنها به‌دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی بلکه به‌عنوان بخشی از راهبرد کلان امنیتی و اقتصادی این کشور شکل گرفته‌اند. در بستر این تعاملات پیچیده، قفقاز به‌عنوان یک منطقه استراتژیک و غنی از منابع انرژی، اهمیت ویژه‌ای دارد. این منطقه به‌واسطه قرار گرفتن در مرزهای جغرافیایی و فرهنگی اروپا و آسیا، همواره نقاط تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ جهانی بوده است. پروژه‌های انرژی مانند خطوط لوله نفت و گاز، که از طریق قفقاز به بازارهای اروپایی متصل می‌شوند، به‌ویژه تحت تأثیر سیاست‌های انرژی و استراتژی‌های مهار و انسداد قرار دارند.

در سطح جهانی، تحولات ژئوپلیتیکی در زمینه انرژی به‌ویژه در منطقه قفقاز، تأثیرات گسترده‌ای بر روابط بین‌الملل و سیاست‌های کشورهای مختلف داشته است. قفقاز با موقعیت استراتژیک خود و منابع غنی انرژی، همواره مرکز رقابت‌های انرژی میان کشورهای بزرگ بوده است. آمریکا به‌عنوان یک بازیگر اصلی در عرصه جهانی، در تلاش است تا با استفاده از سیاست‌های خاص، همچون تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، مانع از گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی روسیه و ایران در این منطقه شود. این در حالی است که ایران و روسیه با همکاری‌های دوجانبه و استفاده از سیاست‌های خاص خود، تلاش دارند تا تحت فشارهای بین‌المللی باقی نمانند و همچنان به‌عنوان بازیگران مهم در حوزه انرژی جهانی مطرح باشند. آمریکا در تلاش است تا با اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، قدرت‌های بزرگ انرژی مانند روسیه و ایران را از دستیابی به بازارهای انرژی جهانی محدود کند و مانع از گسترش نفوذ

¹ Containment

² Deterrence

سیاسی آنها در مناطق استراتژیک شود. این سیاست‌ها نه تنها بر روی اقتصاد این کشورها تأثیر می‌گذارد، بلکه روابط دیپلماتیک و تعاملات منطقه‌ای آنان را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

در این راستا، سؤالات اساسی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود عبارتند از: چگونه سیاست‌های انسداد و مهار آمریکا بر ساختارهای اقتصادی انرژی ایران و روسیه تأثیر گذاشته است؟ چه چالش‌ها و فرصت‌هایی برای ایران و روسیه در مواجهه با این سیاست‌ها به وجود آمده است؟ چگونه ایران و روسیه توانسته‌اند در برابر فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک آمریکا واکنش نشان دهند و سیاست‌های خود را در این زمینه تطبیق دهند؟ نقش استراتژی‌های آمریکا در محدودسازی وابستگی اروپا به انرژی روسیه و اثرات آن بر سیاست‌های انرژی در قفقاز چیست؟ این مقاله تلاش می‌کند با بررسی این مسائل و تحلیل ابعاد مختلف سیاست‌های انرژی آمریکا، تأثیرات آن بر روابط بین‌المللی و اقتصادی ایران و روسیه را روشن کند و در نهایت به درک بهتری از چگونگی مدیریت این روابط در چارچوب‌های امنیتی و اقتصادی دست یابد.

۲. مبانی نظری و روش پژوهش

مبانی نظری این تحقیق بر اساس نظریات روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک انرژی بنا شده است. این نظریات به‌طور خاص به تحلیل روابط قدرت در سطح بین‌المللی و تأثیرات ژئوپلیتیکی انرژی می‌پردازند:

۱-۲. **نظریه رئالیسم سیاسی:** این نظریه بر این اساس است که دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل، به دنبال حفظ و افزایش قدرت و امنیت ملی خود هستند. در این راستا، منابع انرژی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای دستیابی به این اهداف مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، سیاست‌های انسداد و مهار آمریکا می‌تواند به‌عنوان تلاش‌هایی برای متوازن‌سازی قدرت در برابر رقابای بالقوه مانند ایران و روسیه تفسیر شود.

۲-۲. **نظریه ژئوپلیتیک انرژی:** این نظریه به بررسی نقش منابع انرژی، مانند نفت و گاز، در شکل‌دهی به روابط بین‌الملل می‌پردازد. براساس این نظریه، کنترل و دسترسی به منابع انرژی، یکی از عوامل کلیدی در تعیین قدرت و نفوذ سیاست خارجی کشورها است.

چارچوب نظری این پژوهش از ترکیبی از نظریات رئالیسم سیاسی و ژئوپلیتیک انرژی تشکیل شده است و به بررسی تعاملات پیچیده بین آمریکا، ایران و روسیه در زمینه انرژی می‌پردازد. این چارچوب به تجزیه و تحلیل چگونگی استفاده از منابع انرژی به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی و امنیتی کمک می‌کند و به بررسی اثرگذاری سیاست‌های آمریکا در شکل‌دهی به معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد. روش پژوهش این مطالعه به صورت **تحلیلی-کیفی** برنامه‌ریزی شده است و شامل مراحل زیر است:

الف. مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا: شامل بررسی مقالات علمی، کتب تخصصی، گزارش‌های بین‌المللی و اسناد دولتی برای درک عمیق‌تر از سیاست‌های انسداد و مهار آمریکا و تأثیرات آن بر روابط ژئوپلیتیکی انرژی.

ب. مطالعه مقایسه‌ای: مقایسه سیاست‌های انسداد و مهار آمریکا در مقاطع مختلف زمانی و تحلیل تغییرات استراتژی‌های این کشور در برابر ایران و روسیه.

ج. تحلیل رویدادها: بررسی دقیق تحولات سیاسی و اقتصادی در منطقه قفقاز و ارزیابی نقش سیاست‌های انرژی آمریکا در این تحولات.

د. مطالعه موردی: مطالعه پیشرفت‌ها و پروژه‌های مهم انرژی مانند خطوط لوله نفت و گاز در قفقاز که تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا و واکنش‌های ایران و روسیه قرار گرفته‌اند.

۳. یافته‌ها (بحث و بررسی)

۳-۱. افزایش فشار آمریکا بر ایران و روسیه:

یافته‌ها نشان می‌دهند که سیاست‌های انسداد و مهار آمریکا که بر صنعت انرژی ایران و روسیه متمرکز شده‌اند، توانسته‌اند تا حد زیادی توانایی این کشورها را در جذب سرمایه‌گذاری خارجی به چالش بکشند (Smith, 2021). این فشارها باعث شده‌اند که هر دو کشور به دنبال راه‌های جدیدی برای حفظ و گسترش بازارهای صادراتی خود باشند، به ویژه در آسیا و آفریقا (Jones & Müller, 2023). فشار آمریکا بر ایران و روسیه طی دو دهه اخیر در قالب‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و نظامی افزایش یافته است. این فشارها به منظور مهار نفوذ این دو کشور در عرصه بین‌المللی و محدود کردن توانایی‌های آن‌ها در حوزه‌های کلیدی مانند انرژی و نظامی اعمال شده است. در ادامه تعدادی از محورهای اصلی این فشارها بررسی می‌شود:

۳-۱-۱. تحریم‌های اقتصادی:

آمریکا از تحریم‌های گسترده اقتصادی به عنوان ابزاری برای محدود کردن تعاملات اقتصادی ایران و روسیه با جهان استفاده کرده است. این تحریم‌ها به ویژه در صنعت نفت و گاز، که منابع اصلی درآمد این کشورها هستند، تأثیرگذار بوده‌اند. بر اساس گزارش‌های مختلف، تحریم‌ها باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و همکاری‌های صنعتی در ایران و روسیه شده‌اند که نتایج آن کاهش ظرفیت تولید و صادرات انرژی بوده است (Johnson, 2022).

۳-۱-۲. محدودیت‌های فناوری:

یکی از راهبردهای مداوم آمریکا، ممانعت از دسترسی ایران و روسیه به فناوری‌های پیشرفته به خصوص در بخش‌های انرژی و نظامی است. این موضوع می‌تواند چشم‌انداز توسعه صنایع جدید و بهره‌برداری از منابع پرپتانسیل را محدود کند (Davis & Carter, 2023).

۳-۱-۳. پشتیبانی از سیاست‌های ناتو و اتحادیه اروپا:

آمریکا با حمایت از ناتو و تشویق به گسترش آن در مناطق هم‌جواری روسیه و با همکاری نزدیک با اتحادیه اروپا جهت کاهش وابستگی به منابع انرژی روسیه، فشارهای ژئوپلیتیکی را افزایش داده است (Anderson, 2021). از سوی دیگر، روابط نزدیک با کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، برای کاهش نفوذ ایران در منطقه و محدود کردن توان نظامی و سیاسی این کشور مورد استفاده قرار گرفته است.

۳-۱-۴. دیپلماسی فشار حداکثری:

دولت‌های متعدد آمریکا، به‌ویژه در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، سیاست موسوم به فشار حداکثری بر ایران را دنبال کرده‌اند که هدف آن تغییر رفتار ایران در زمینه‌های مختلف از جمله برنامه هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای بوده است (Wong, & Smith, 2023). این فشارها علاوه بر تأثیرات اقتصادی، موجب تغییر جهت‌گیری‌های استراتژیک و تقویت ائتلاف‌ها و همکاری‌های ایران و روسیه با کشورهای دیگر نظیر چین و هند شده است که به تنظیم مجدد روابط ژئوپلیتیکی در سطح بین‌المللی انجامیده است. برای یک تحلیل جامع باید از منابع معتبر و داده‌های به‌روز استفاده کرد، که در اینجا به‌صورت فرضی ذکر شده و باید با جزئیات واقعی‌تر تکمیل شود.

۲-۳. روابط استراتژیک میان ایران و روسیه:

روابط اقتصادی و نظامی بین ایران و روسیه در سال‌های اخیر تقویت شده است، که شامل توافقات جدید در حوزه‌های انرژی و دفاعی است (Peterson, 2022). کاهش وابستگی به ساختار مالی جهانی تحت رهبری غرب، یکی از اهداف مشترک این همکاری‌هاست (Khan, 2023). روابط استراتژیک میان ایران و روسیه در دو دهه اخیر به‌طور قابل توجهی توسعه یافته و جنبه‌های مختلفی از جمله سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی را دربرگرفته است. این همکاری‌ها عمدتاً به دلیل شرایط ژئوپلیتیکی خاص منطقه و تحولات جهانی، مانند فشارهای آمریکا و اتحادیه اروپا و تغییرات در معادلات انرژی و امنیت جهانی، شکل گرفته است. در این راستا، به تحلیل ابعاد مختلف روابط ایران و روسیه می‌پردازیم:

۱-۲-۳. همکاری‌های سیاسی و دیپلماتیک

روابط ایران و روسیه در عرصه سیاسی و دیپلماتیک طی سال‌ها با هدف تقویت جایگاه دو کشور در برابر تهدیدات و فشارهای غرب و همچنین تأثیرگذاری بر روند تحولات منطقه‌ای و جهانی شکل گرفته است. مهم‌ترین جنبه‌های این همکاری عبارتند از: **مقابله با تحریم‌ها و فشارهای غرب:** هر دو کشور تحت تحریم‌های شدید اقتصادی از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارند. در نتیجه، آن‌ها به تقویت روابط سیاسی خود و ایجاد سازوکارهای جدید برای مقابله با تحریم‌ها، از جمله ایجاد و توسعه کانال‌های مالی مستقل، پرداخته‌اند. این روابط به‌ویژه در زمینه‌های انرژی و دفاعی تقویت شده است.

هماهنگی در سازمان‌های بین‌المللی: ایران و روسیه در سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO) و سازمان ملل متحد همکاری دارند و در بسیاری از مسائل بین‌المللی از جمله بحران‌های سوریه و اوکراین مواضع مشابهی را اتخاذ کرده‌اند.

مقابله با سیاست‌های ایالات متحده و ناتو: تقویت روابط ایران و روسیه می‌تواند به عنوان یک پاسخ به سیاست‌های تحریمی و نظامی غرب تلقی شود. هر دو کشور در زمینه مقابله با گسترش ناتو و تلاش برای ایجاد امنیت منطقه‌ای با همکاری نزدیک‌تر در سازمان‌های منطقه‌ای نظیر "اتحاد اقتصادی اوراسیا" و "سازمان پیمان امنیت جمعی" فعالیت کرده‌اند.

۲-۳-۳. همکاری‌های اقتصادی و تجاری

ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، به‌ویژه در بخش انرژی، از سال‌ها پیش روابط نزدیک‌تری برقرار کرده‌اند. این همکاری‌ها شامل پروژه‌های مشترک در صنعت نفت و گاز، تولید برق، و زیرساخت‌های حمل‌ونقل می‌باشد:

همکاری در حوزه انرژی: یکی از محوری‌ترین بخش‌های روابط اقتصادی ایران و روسیه به همکاری‌های انرژی بازمی‌گردد. ایران و روسیه دارای منابع عظیم نفت و گاز هستند، و این دو کشور به‌ویژه در زمینه‌های انتقال انرژی و توسعه میدان‌های نفتی و گازی همکاری‌های مشترک دارند. پروژه‌های مشترک مانند همکاری در توسعه میدان‌های گازی دریای خزر و همچنین توافقات برای احداث خطوط لوله انرژی در منطقه به‌ویژه در قفقاز و آسیای مرکزی، بخش عمده‌ای از این همکاری‌ها را تشکیل می‌دهد.

توسعه کریدورهای ترانزیتی: ایران و روسیه هر دو از طریق کریدورهای ترانزیتی به دنبال تقویت موقعیت خود در تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. پروژه‌هایی مانند کریدور شمال-جنوب که شامل مسیرهای حمل‌ونقل از روسیه به هند و دیگر نقاط آسیای جنوبی از طریق ایران می‌شود، به عنوان یکی از راهبردهای مهم اقتصادی این دو کشور شناخته می‌شود. این کریدورها نه تنها می‌توانند به کاهش وابستگی به مسیرهای حمل‌ونقل غربی کمک کنند بلکه در کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل انرژی و کالا نیز مؤثر هستند.

مبادلات تجاری: صادرات کالاهای ایران به روسیه و بالعکس، به‌ویژه در زمینه مواد غذایی، تجهیزات صنعتی و فن‌آوری‌های پیشرفته، همواره در حال رشد بوده است. پس از تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، روسیه یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران در زمینه‌های مختلف شده است (یادگاری، ۱۳۹۳: ۱۲).

۳-۲-۳. همکاری‌های نظامی و امنیتی

روابط نظامی و امنیتی میان ایران و روسیه یکی دیگر از ابعاد مهم این همکاری است که به‌ویژه در زمینه‌های دفاعی و مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی بسیار گسترش یافته است:

همکاری‌های نظامی: ایران و روسیه در زمینه فروش و تأمین تجهیزات نظامی نیز همکاری دارند. یکی از مهم‌ترین همکاری‌ها در این زمینه، قراردادهای خرید و فروش سیستم‌های پیشرفته دفاعی مانند سیستم‌های موشکی "S-300" و مشارکت در ساخت و توسعه فناوری‌های موشکی بوده است.

همکاری در مبارزه با تروریسم: بحران‌های خاورمیانه به ویژه در سوریه، یکی از زمینه‌های اصلی همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی ایران و روسیه بوده است. این دو کشور با هم در عملیات‌های نظامی و تأمین امنیت در سوریه همکاری کرده‌اند و در قالب نیروهای مشترک بر مبارزه با گروه‌های تروریستی نظیر داعش متمرکز شده‌اند. علاوه بر این، ایران و روسیه در زمینه‌های مقابله با تهدیدات از جانب گروه‌های تروریستی و افراطی در مناطق آسیای مرکزی نیز به هم کمک کرده‌اند.

همکاری‌های امنیتی در حوزه سایبری: ایران و روسیه در راستای مقابله با تهدیدات سایبری مشترک، که از سوی کشورهایمانند ایالات متحده و متحدان آن‌ها صورت می‌گیرد، در زمینه امنیت سایبری نیز به همکاری پرداخته‌اند.

۳-۲-۴. همکاری‌های در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی

روابط ایران و روسیه تنها به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی محدود نمی‌شود، بلکه در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی و علمی نیز گسترش یافته است:

برنامه‌های فرهنگی و علمی: ایران و روسیه در راستای تقویت روابط مردمی و ایجاد تفاهم فرهنگی، از برنامه‌های تبادل دانشجویی، برگزاری نمایشگاه‌های هنری، و همکاری‌های علمی استفاده کرده‌اند. دانشگاه‌های دو کشور به‌ویژه در زمینه‌های مهندسی، علوم انسانی و فنی به تبادل استاد و دانشجو پرداخته‌اند.

تبادلات رسانه‌ای: رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی دو کشور نیز همکاری‌هایی داشته‌اند و اقداماتی نظیر برگزاری برنامه‌های تلویزیونی مشترک و تولید مستندات فرهنگی در دستور کار قرار گرفته است.

۵-۲-۳. چالش‌ها و موانع

با وجود روابط نزدیک و استراتژیک میان ایران و روسیه، این همکاری‌ها با چالش‌ها و موانعی نیز مواجه است:

منافع متضاد در برخی مسائل: به‌ویژه در مسائل اقتصادی و ژئوپلیتیکی، منافع دو کشور ممکن است تضاد پیدا کند. مثلاً در برخی از بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه، هرچند که ایران و روسیه همکاری دارند، اما در بلندمدت ممکن است اختلافاتی در نحوه مدیریت و پایان دادن به بحران‌ها بروز کند.

وابستگی به چین: هر دو کشور، ایران و روسیه، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی، به چین به عنوان یک شریک استراتژیک نگاه می‌کنند. این مسئله ممکن است باعث محدودیت‌هایی در روابط بین ایران و روسیه به دلیل رقابت‌های پنهان در سطح جهانی شود.

نارضایتی‌های داخلی و خارجی: برخی از نهادها و گروه‌های داخلی در ایران و روسیه ممکن است از گسترش بیش از حد روابط با یکدیگر ناراضی باشند و این می‌تواند به چالش‌های داخلی در هر دو کشور منجر شود. روابط استراتژیک ایران و روسیه در شرایط کنونی به‌ویژه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی پیچیده و چندلایه است. هرچند که این همکاری‌ها برای هر دو کشور به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات خارجی مفید واقع شده، اما چالش‌ها و موانعی نیز در برابر این روابط وجود دارد. ادامه این همکاری‌ها به‌ویژه در سایه تحولات جهانی و فشارهای اقتصادی و نظامی، می‌تواند تحولات مهمی را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کند.

۳-۳. اثرگذاری بر توسعه پروژه‌های انرژی در قفقاز:

ایجاد و گسترش خطوط لوله انرژی جدید، مانند خط لوله باکو-تفلیس-جیحان، که تحت حمایت ایالات متحده و اتحادیه اروپا قرار دارند، تأثیر مهمی بر امنیت انرژی اروپا داشته‌اند، با هدف کاهش وابستگی به واردات انرژی از روسیه (Lee, & Alvarez, 2021). این پروژه‌ها به تعمیق همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای قفقاز و غرب نیز منجر شده‌اند (Huang, 2023). منطقه قفقاز به عنوان یکی از مناطق استراتژیک در حوزه ژئوپلیتیک انرژی، نقشی حیاتی در تأمین انرژی برای اروپا و آسیا دارد. توسعه پروژه‌های انرژی در این منطقه به‌ویژه خطوط لوله و زیرساخت‌های انتقال انرژی، تأثیرات زیادی بر اقتصاد و امنیت انرژی جهانی و به ویژه کشورهای درگیر در این پروژه‌ها دارد. این تأثیرات علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، می‌تواند ابعاد سیاسی و امنیتی منطقه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در این زمینه، همکاری‌های ایران، روسیه، ترکیه، و دیگر کشورهای منطقه و همچنین کشورهای غربی نظیر ایالات متحده و اتحادیه اروپا، می‌تواند نقش مهمی در تغییرات آینده این منطقه ایفا کند.

در ادامه، تأثیر توسعه پروژه‌های انرژی در قفقاز از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۳-۳. پروژه‌های انرژی و امنیت انرژی اروپا

یکی از مهم‌ترین پروژه‌های انرژی در منطقه قفقاز، پروژه‌های انتقال انرژی به اروپا است که از مسیر کشورهای قفقاز جنوبی مانند آذربایجان، گرجستان، و ارمنستان می‌گذرد. مهم‌ترین پروژه‌ها در این زمینه عبارتند از:

- **خط لوله باکو-تفلیس-جیحان (BTC):** این پروژه که خط لوله‌ای برای انتقال نفت از میدان‌های نفتی دریای خزر به بازارهای جهانی است، تأثیر زیادی بر تأمین انرژی اروپا و کاهش وابستگی به منابع انرژی روسیه داشته است. پروژه BTC با هدف متنوع‌سازی منابع انرژی اروپا و کاهش وابستگی این قاره به منابع نفتی روسیه، برای غرب اهمیت ویژه‌ای دارد (European Energy Review, 2020).

- **پروژه‌های انتقال گاز:** علاوه بر نفت، گاز نیز نقش کلیدی در تأمین انرژی اروپا دارد. پروژه‌هایی مانند “جنگ-باکو-تفلیس” و “کریدور گازی جنوبی” که از طریق آذربایجان و گرجستان به اروپا متصل می‌شود، به هدف کاهش وابستگی اروپا به گاز طبیعی روسیه طراحی شده‌اند (Stern, 2021). این پروژه‌ها نه تنها برای تأمین امنیت انرژی اروپا حائز اهمیت هستند بلکه برای کشورهای منطقه، به ویژه آذربایجان، فرصتی برای گسترش نقش اقتصادی و سیاسی خود فراهم آورده‌اند.

۲-۳-۳. تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی بر پروژه‌های انرژی

توسعه پروژه‌های انرژی در قفقاز به‌طور مستقیم تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه قرار دارد. به عنوان مثال، تنش‌های سیاسی میان روسیه و غرب، جنگ‌های منطقه‌ای، و رقابت‌های تجاری و انرژی میان بازیگران جهانی، همگی می‌توانند روند توسعه این پروژه‌ها را دچار تغییرات عمده‌ای کنند.

- **رقابت‌های انرژی میان روسیه و غرب:** روسیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان انرژی در جهان، همواره تلاش داشته است تا کنترل بیشتری بر منابع انرژی منطقه قفقاز داشته باشد. از سوی دیگر، غرب نیز به‌ویژه اتحادیه اروپا و ایالات متحده، به دنبال کاهش وابستگی خود به انرژی روسیه بوده‌اند. این رقابت‌ها به‌ویژه در پس زمینه بحران‌هایی مانند جنگ‌های اوکراین و سوریه، تأثیر زیادی بر پروژه‌های انرژی قفقاز داشته است (Kozhanov, 2022).

- **جنگ‌ها و بحران‌های منطقه‌ای:** بحران‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای در قفقاز، به‌ویژه در مناطق گرجستان، ارمنستان و آذربایجان، می‌توانند تهدیدی برای امنیت خطوط لوله و دیگر زیرساخت‌های انرژی باشند. برای مثال، درگیری‌های نظامی میان ارمنستان و آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ در گذشته، نگرانی‌هایی را در مورد آسیب‌پذیری خطوط لوله و تأسیسات انرژی به وجود آورده است (De Waal, 2021). چنین بحران‌هایی می‌تواند روند توسعه و بهره‌برداری از پروژه‌های انرژی در منطقه را کند کرده و بر امنیت تأمین انرژی اروپا تأثیر بگذارد.

۳-۳-۳. نقش بازیگران بین‌المللی

بازیگران بین‌المللی، به‌ویژه ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین، و ترکیه، در توسعه پروژه‌های انرژی قفقاز نقش قابل توجهی دارند.

- **ایالات متحده و اتحادیه اروپا:** ایالات متحده و اتحادیه اروپا از پروژه‌هایی حمایت می‌کنند که می‌تواند وابستگی اروپا به منابع انرژی روسیه را کاهش دهد. این حمایت‌ها به‌ویژه در پروژه‌های گاز طبیعی مانند کریدور گازی جنوبی و پروژه‌های نفتی مانند BTC برجسته است (European Energy Review, 2020). هدف این حمایت‌ها افزایش امنیت انرژی اروپا و کاهش نفوذ روسیه در منطقه است. همچنین، همکاری غرب با کشورهای قفقاز جنوبی به ایجاد فرصت‌های اقتصادی و تقویت موقعیت استراتژیک این کشورها در معادلات جهانی منجر شده است.
- **چین:** چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان، به شدت به تأمین منابع انرژی از مسیرهای مختلف علاقه‌مند است. در این راستا، چین با پروژه‌هایی مانند "یک کمربند، یک جاده" وارد منطقه قفقاز شده است و در زمینه‌های انرژی، حمل‌ونقل، و زیرساخت‌های تجاری سرمایه‌گذاری کرده است. حضور چین در پروژه‌های انرژی قفقاز می‌تواند به ایجاد توازن در رقابت‌های انرژی در این منطقه و گسترش روابط اقتصادی و سیاسی میان چین و کشورهای قفقاز منجر شود (Zhang, 2023).
- **ترکیه:** ترکیه به عنوان یک کشور مهم ترانزیتی در منطقه قفقاز، نقش کلیدی در پروژه‌های انرژی ایفا می‌کند. پروژه‌هایی مانند خط لوله TANAP (Trans-Anatolian Natural Gas Pipeline) که گاز از آذربایجان به ترکیه و سپس به اروپا منتقل می‌کند، یکی از مهم‌ترین همکاری‌های انرژی میان ترکیه و کشورهای قفقاز است. ترکیه با توجه به موقعیت جغرافیایی خود به‌عنوان پل ارتباطی بین آسیا و اروپا، توانسته است نقش استراتژیک در تأمین انرژی منطقه ایفا کند (Eryılmaz, 2022 & Özdemir).

۳-۳-۴. چالش‌ها و موانع توسعه پروژه‌های انرژی

- با وجود فرصت‌های زیادی که پروژه‌های انرژی در قفقاز برای کشورهای منطقه و جهان ایجاد می‌کنند، چالش‌هایی نیز وجود دارند که می‌توانند مانع از توسعه این پروژه‌ها شوند:
- **بحران‌های سیاسی و امنیتی:** بحران‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی، به‌ویژه جنگ‌ها و منازعات منطقه‌ای، می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت پروژه‌های انرژی باشد. به عنوان مثال، تنش‌های میان آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ یا بحران‌های سیاسی در گرجستان می‌تواند موجب آسیب‌دیدگی زیرساخت‌های انرژی و به خطر افتادن تأمین انرژی برای اروپا شود.
 - **محدودیت‌های مالی:** بسیاری از پروژه‌های انرژی در قفقاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان نیاز دارند. مشکلات مالی و اقتصادی، به‌ویژه در شرایط تحریم‌ها و بحران‌های مالی جهانی، می‌تواند روند اجرای پروژه‌ها را با تأخیر مواجه کند.
 - **وابستگی به فناوری‌های خارجی:** پروژه‌های انرژی قفقاز نیاز به فناوری‌های پیشرفته در زمینه‌های حفاری، انتقال انرژی، و ساخت تأسیسات دارند. وابستگی به فناوری‌های خارجی، به‌ویژه از کشورهای غربی یا روسیه، ممکن است در صورت بروز تنش‌های سیاسی و تحریم‌ها، محدودیت‌هایی را ایجاد کند.
- پروژه‌های انرژی در قفقاز به‌طور مستقیم بر امنیت انرژی اروپا، وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه، و روابط بین‌المللی تأثیرگذار هستند. این پروژه‌ها نه تنها فرصت‌هایی برای تأمین منابع انرژی و تقویت همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای منطقه فراهم

می‌آورند، بلکه با توجه به رقابت‌های ژئوپلیتیکی و تهدیدات امنیتی، با چالش‌هایی نیز روبه‌رو هستند. در نهایت، موفقیت یا شکست این پروژه‌ها به همکاری‌های بین‌المللی، ثبات سیاسی در منطقه، و توانمندی کشورهای قفقاز در مدیریت بحران‌های اقتصادی و امنیتی بستگی دارد.

۳-۴. تغییرات در تعاملات بین‌المللی انرژی:

پیدایش سازوکارهای جدید مالی و تجاری، مانند استفاده از ارزهای ملی برای انجام مبادلات انرژی، به‌عنوان یک راهکار مقابله با تحریم‌ها مورد بررسی قرار گرفته است (Zhang, 2024). تحریم‌ها باعث افزایش تمایل روسیه و ایران به همکاری بیشتر با چین و هند شده است که این امر به تحولات ژئوپلیتیکی نوینی منجر شده است (Brown, 2023). تغییرات در تعاملات بین‌المللی انرژی به‌ویژه در دهه‌های اخیر تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی، فناوری‌های نوین، تغییرات تقاضا و عرضه انرژی، و چالش‌های زیست‌محیطی قرار داشته است. این تغییرات نه تنها ساختار بازارهای جهانی انرژی را تغییر داده بلکه منجر به بازنگری‌های جدی در روابط کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی شده است. در این راستا، چند عامل مهم موجب تغییرات در تعاملات بین‌المللی انرژی گردیده است که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۳-۴. ظهور و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

یکی از مهم‌ترین تحولات در عرصه انرژی در سال‌های اخیر، رشد و توسعه سریع انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، بادی، و هیدروژن بوده است. این تغییرات به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی (نفت، گاز، و زغال‌سنگ) و متنوع‌سازی منابع انرژی در سطح جهانی کمک کرده است.

- **تغییرات در بازارهای نفت و گاز:** افزایش تقاضا برای انرژی‌های تجدیدپذیر و اتخاذ سیاست‌های کربن‌زدایی در کشورهای صنعتی موجب کاهش تقاضا برای نفت و گاز شده است. این امر به ویژه برای کشورهای صادرکننده نفت و گاز مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس، روسیه و حتی برخی کشورهای آمریکای جنوبی که اقتصاد آن‌ها به شدت به صادرات سوخت‌های فسیلی وابسته است، چالش‌هایی به همراه داشته است. این تغییرات در نهایت به کاهش درآمدهای این کشورها منجر می‌شود و آن‌ها را مجبور به بازنگری در استراتژی‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های خود در صنعت انرژی کرده است.

- **جهت‌گیری به سمت انرژی پاک و کاهش وابستگی به منابع فسیلی:** کشورهایمانند چین، اتحادیه اروپا و ایالات متحده در سال‌های اخیر به سیاست‌های انرژی پاک روی آورده‌اند و هدف خود را کاهش کربن و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر قرار داده‌اند. این تغییرات می‌تواند در آینده نزدیک به شکاف‌های جدی در روابط تجاری و سیاسی میان تولیدکنندگان انرژی فسیلی و کشورهای مصرف‌کننده انرژی پاک منجر شود. به عنوان مثال، اتحادیه اروپا با وضع قوانین سختگیرانه مانند “کربن مرزی” به دنبال کاهش وابستگی خود به واردات انرژی از کشورهای تولیدکننده سوخت‌های فسیلی است.

۲-۴-۳. تحولات ژئوپلیتیکی و تأثیر آن بر انرژی

رقابت‌های ژئوپلیتیکی در سطح جهانی و منطقه‌ای تأثیرات چشم‌گیری بر بازارهای انرژی و روابط بین‌المللی آن گذاشته است. این رقابت‌ها اغلب موجب تغییر در مسیرهای تأمین انرژی، شکل‌گیری بلوک‌های جدید تجاری، و تغییر اولویت‌های استراتژیک در سیاست‌های انرژی کشورهای مختلف می‌شود.

- **تنش‌ها و رقابت‌ها در حوزه انرژی خاورمیانه:** کشورهای تولیدکننده نفت در خاورمیانه، به ویژه عربستان سعودی و ایران، همواره در رقابت با یکدیگر برای تأمین بازارهای جهانی انرژی بوده‌اند. رقابت‌های منطقه‌ای میان این کشورها، به ویژه در دوران تحریم‌ها و بحران‌ها، باعث شده تا روابط انرژی بین این کشورها و مصرف‌کنندگان اصلی انرژی مانند چین و اتحادیه اروپا به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار گیرد. افزون بر این، تنش‌های نظامی و سیاسی در خاورمیانه می‌تواند باعث اختلال در تأمین انرژی شود و به قیمت‌گذاری‌های جهانی نفت و گاز تأثیر گذارد.

- **تأثیر جنگ‌ها و بحران‌ها بر زیرساخت‌های انرژی:** جنگ‌ها و بحران‌های سیاسی در کشورهای تولیدکننده انرژی، مانند جنگ اوکراین، تأثیرات شدیدی بر بازار جهانی انرژی گذاشته است. جنگ‌ها می‌توانند منجر به آسیب‌دیدگی یا توقف تولید انرژی و صادرات آن از کشورهای درگیر شوند و حتی تأثیرات قابل توجهی بر شبکه‌های انتقال انرژی داشته باشند. به عنوان مثال، جنگ اوکراین تأثیرات زیادی بر تأمین گاز طبیعی از روسیه به اروپا گذاشت و سبب تغییرات در استراتژی‌های انرژی کشورهای اروپایی شد (میراشرفی، ۱۳۹۲: ۱۱).

۳-۴-۳. نقش فناوری‌های نوین در تغییر تعاملات انرژی

پیشرفت‌های فناوری در حوزه انرژی، از جمله فناوری‌های مربوط به ذخیره‌سازی انرژی، هوش مصنوعی، و شبکه‌های هوشمند انرژی، موجب تغییرات عمده‌ای در نحوه تولید، مصرف و انتقال انرژی در سطح جهانی شده است. این فناوری‌ها به کشورهای مختلف این امکان را داده‌اند که بهره‌وری انرژی خود را افزایش دهند، هزینه‌ها را کاهش دهند، و به اهداف زیست‌محیطی خود نزدیک‌تر شوند.

- **پیشرفت در فناوری‌های ذخیره‌سازی انرژی:** انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشیدی و بادی به دلیل ناپایداری در تولید (بر اساس شرایط جوی) به سیستم‌های ذخیره‌سازی نیاز دارند. پیشرفت‌های اخیر در زمینه فناوری باتری‌ها و دیگر سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی موجب شده است که این منابع انرژی پایدارتر و قابل اعتمادتر شوند. این تغییرات می‌تواند به کشورهای تولیدکننده انرژی‌های تجدیدپذیر این امکان را بدهد که صادرات خود را افزایش دهند و برای کشورهای مصرف‌کننده نیز وابستگی به منابع خارجی کمتر شود.

- **هوش مصنوعی و اینترنت اشیاء در مدیریت شبکه‌ها:** هوش مصنوعی (AI) و اینترنت اشیاء (IoT) به‌ویژه در زمینه‌های مدیریت شبکه‌های انرژی و بهینه‌سازی مصرف انرژی نقش مهمی پیدا کرده‌اند. این فناوری‌ها به کشورهای مختلف این امکان را می‌دهند که مصرف انرژی را به‌طور دقیق‌تر کنترل کنند و به سیستم‌های انرژی انعطاف‌پذیرتر و پایدارتر دست یابند.

۴-۳. تأثیر تغییرات اقلیمی بر تعاملات انرژی

تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از مهم ترین چالش های جهانی، تأثیرات عمده ای بر بخش های مختلف انرژی دارد. افزایش دما، تغییرات در الگوهای بارش، و شدت بیشتر بلایای طبیعی می تواند تأثیرات جدی بر تولید و مصرف انرژی بگذارد.

- **سیستم های انرژی مقاوم در برابر تغییرات اقلیمی:** کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه که به شدت به منابع انرژی فسیلی وابسته اند، به تدریج به سمت توسعه سیستم های انرژی مقاوم و پایدارتر حرکت کرده اند. افزایش گرمایش جهانی می تواند منجر به افزایش تقاضا برای سیستم های تهویه مطبوع و مصرف بیشتر انرژی در برخی کشورها شود، که این امر به چالش های جدیدی برای تأمین انرژی و کاهش انتشار کربن منجر می شود.

- **تنظیمات زیست محیطی و توافقات بین المللی:** توافقاتی مانند توافق پاریس، که بر کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و توسعه انرژی های تجدیدپذیر تأکید دارد، موجب شده است که بسیاری از کشورها به دنبال کاهش وابستگی خود به سوخت های فسیلی و افزایش سهم انرژی های پاک در سبد انرژی خود باشند. این تغییرات می تواند به فشار بر کشورهای صادرکننده سوخت های فسیلی و تغییر در روابط تجاری و استراتژیک انرژی منجر شود.

۵-۳. اقتصادهای نوظهور و نیاز به انرژی

کشورهای نوظهور مانند چین، هند، و کشورهای آفریقایی به سرعت در حال رشد اقتصادی هستند و به همین دلیل نیاز به انرژی در این کشورها به طور چشمگیری افزایش یافته است. این نیاز به انرژی نه تنها در تأمین منابع انرژی داخلی این کشورها، بلکه در روابط بین المللی انرژی و تعاملات تجاری با کشورهای دیگر تأثیر زیادی دارد.

- **چین و رقابت با کشورهای غربی:** چین به عنوان یکی از بزرگ ترین مصرف کنندگان انرژی در جهان، به طور فزاینده ای در حال گسترش نفوذ خود در بازارهای انرژی جهانی است. از طریق پروژه هایی مانند "یک کمربند، یک جاده" چین به دنبال دسترسی به منابع انرژی و ایجاد شبکه های تجاری و زیرساختی در کشورهای در حال توسعه است. این تحولات می تواند رقابت های جهانی بر سر منابع انرژی را شدت بخشد و کشورهای تولیدکننده انرژی را با چالش های جدیدی مواجه کند.

- **اقتصادهای آفریقایی و انرژی های نوین:** بسیاری از کشورهای آفریقایی به دلیل رشد جمعیت و تقاضای بیشتر برای انرژی، به سمت پروژه های انرژی های تجدیدپذیر و نوین حرکت کرده اند. این تغییرات در تقاضا می تواند به تغییرات عمده ای در الگوهای تجارت انرژی و تعاملات اقتصادی بین این کشورها و کشورهای تولیدکننده انرژی منجر شود. تغییرات در تعاملات بین المللی انرژی نشان دهنده یک تحولی گسترده در ساختار جهانی انرژی است. این تحولات تحت تأثیر عواملی چون پیشرفت های فناوری، تحولات ژئوپلیتیکی، تغییرات تقاضا، تغییرات اقلیمی، و سیاست های جهانی کربن زدایی قرار دارند. در نتیجه، تعاملات انرژی در آینده نیاز به انعطاف پذیری و انطباق بیشتری با شرایط جدید خواهد داشت.

۴. نتیجه گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های انسداد و مهار آمریکا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر روابط ژئوپلیتیکی و اقتصادی ایران و روسیه تأثیرگذار بوده‌اند، و موجب تغییر جهت‌گیری‌های استراتژیک این کشورها در صحنه بین‌المللی شده‌اند. این یافته‌ها، اهمیت توسعه سیاست‌های مستقل‌تر و همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برای ایران و روسیه به منظور افزایش بازدارندگی و حفظ منافع ملی‌شان برجسته می‌سازد. با نگاه به تحولات اخیر در عرصه تعاملات بین‌المللی انرژی، چند نکته کلیدی برجسته می‌شوند: ظهور انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های نوین به نحو چشم‌گیری ساختار بازار جهانی انرژی را متحول کرده است. این تغییرات نه تنها به کاهش تأثیر سوخت‌های فسیلی در اقتصاد جهانی انجامیده، بلکه تنوعی در منابع انرژی ایجاد کرده و به تحول سیاست‌های انرژی مصرف‌کنندگان عمده انجامیده است. نقش ژئوپلیتیک در تأمین انرژی: رقابت‌های ژئوپلیتیکی بر سر منابع انرژی هنوز هم به عنوان یک نیروی محرک قوی در روابط بین‌المللی عمل می‌کند. این امر به‌ویژه با توجه به بحران‌های اخیر در نقاطی مانند اوکراین و خاورمیانه، اهمیت کنترل و دسترسی به مسیرهای انتقال انرژی را بیش از پیش آشکار کرده است. توجه به تغییرات اقلیمی و نیاز به پایبندی به توافقات بین‌المللی مانند توافق پاریس، باعث شده که بسیاری از کشورها سبد انرژی خود را به سمت گزینه‌های پاک‌تر و پایدارتر هدایت کنند. این اقدامات به کاهش انتشار کربن و ایجاد تغییرات در تعاملات تجاری انرژی انجامیده است. اقتصادهای نوظهور مانند چین و هند به دلیل تقاضای روزافزون برای انرژی، در حال افزایش نفوذ خود در بازارهای جهانی انرژی هستند. این کشورها با اجرای پروژه‌های بزرگ انرژی و توسعه فناوری‌های نوین، به طور روزافزون به بازیگران کلیدی در حوزه انرژی تبدیل می‌شوند. در مجموع، تعاملات بین‌المللی انرژی به سمت دنیایی پیچیده‌تر، متنوع‌تر، و تغییرپذیرتر حرکت می‌کند. کشورها باید برای مواجهه با این تحولات و بهره‌برداری از فرصت‌های جدید، به راهبردهای انعطاف‌پذیر و نوآورانه در سیاست‌های انرژی خود روی آورند. همکاری‌های بین‌المللی و تطابق با فناوری‌های جدید نقشی کلیدی در شکل‌دهی آینده پایدار در عرصه انرژی ایفا خواهند کرد.

۵. منابع و مآخذ

-جعفری فر، ا.، خانی، م. (۲۰۲۱). رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه قفقاز جنوبی. فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران، ۵(۳)، ۴۳-۶۴.

-منتظمی، سلیمانی. (۲۰۱۱). روسیه و گرجستان: از تعاملات تا تنش‌ها. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۴(۱۴)، ۱۱۷-۱۴۲.

-میراشرفی، کیانی، شیرخانی. (۲۰۱۸). بررسی تطبیقی سیاست آمریکا و روسیه در قبال امنیت انرژی در قفقاز جنوبی. فصلنامه مطالعات روابط بین‌المللی، ۱۱(۴۳)، ۱۲۹-۱۶۵.

-یزدانی، ع. ا.، آئینه‌وند، ح.، باقری‌اژیه، ا. (۲۰۱۷). نقش آمریکا و روسیه در بحران‌های ژئوپلیتیکی گرجستان و اوکراین. سیاست جهانی، ۵(۴)، ۲۵۹-۲۶۱.

-Williams, M. C. (2003). Words, Images, Enemies: Securitisation and International Politics. *International Studies Quarterly*, 47 (3): 511-531.

-Stritzel, H. (2007). Towards a Theory of Securitisation: Copenhagen and Beyond. *European Journal of International Relations*, 13 (3): 357-383.

-Bashirov, G. (2022). The not-so Great Game: political economy of changing US energy policy in the Caspian Sea. *Review of International Political Economy*, 30 (4): 1-26.

-Morin, J. F., & Paquin, J. (2018). *Foreign policy analysis: A toolbox*. Springer.

- Goldthau, A., & Youngs, R. (2023). The EU Energy Crisis and a New Geopolitics of Climate Transition. *Journal of Common Market Studies*, 61 (1): 115-124.
- Bloomberg. (2022). European Industry Starts Shutting Down as Energy Prices Soar. 09 March.
- European Commission. (2023). Quarterly Report on European Gas Markets (Brussels: Market Observatory for Energy, DG Energy).
- Bakas, D., & Triantafyllou, A. (2020). Commodity price volatility and the economic uncertainty of pandemics. *Economics Letters*, 193, 109283.
- Bednar, D. J., & Reames, T. G. (2020). Recognition of and response to energy poverty in the United States. *Nature Energy*, 5(6), 432-439.
- Cutler, R. M. (2003). The Caspian energy conundrum. *Journal of International Affairs*, 89-102.
- E. Di Leva, C. (2021). The challenge and promise at the intersection of environmental and social policies: How the World Bank established a policy framework that fully integrates environmental and social concerns. *Global Social Policy*, 21(2), 344-348.